



به نام خدا

درس : معماری اسلامی

موضوع :

اصول معماری اسلامی ایرانی

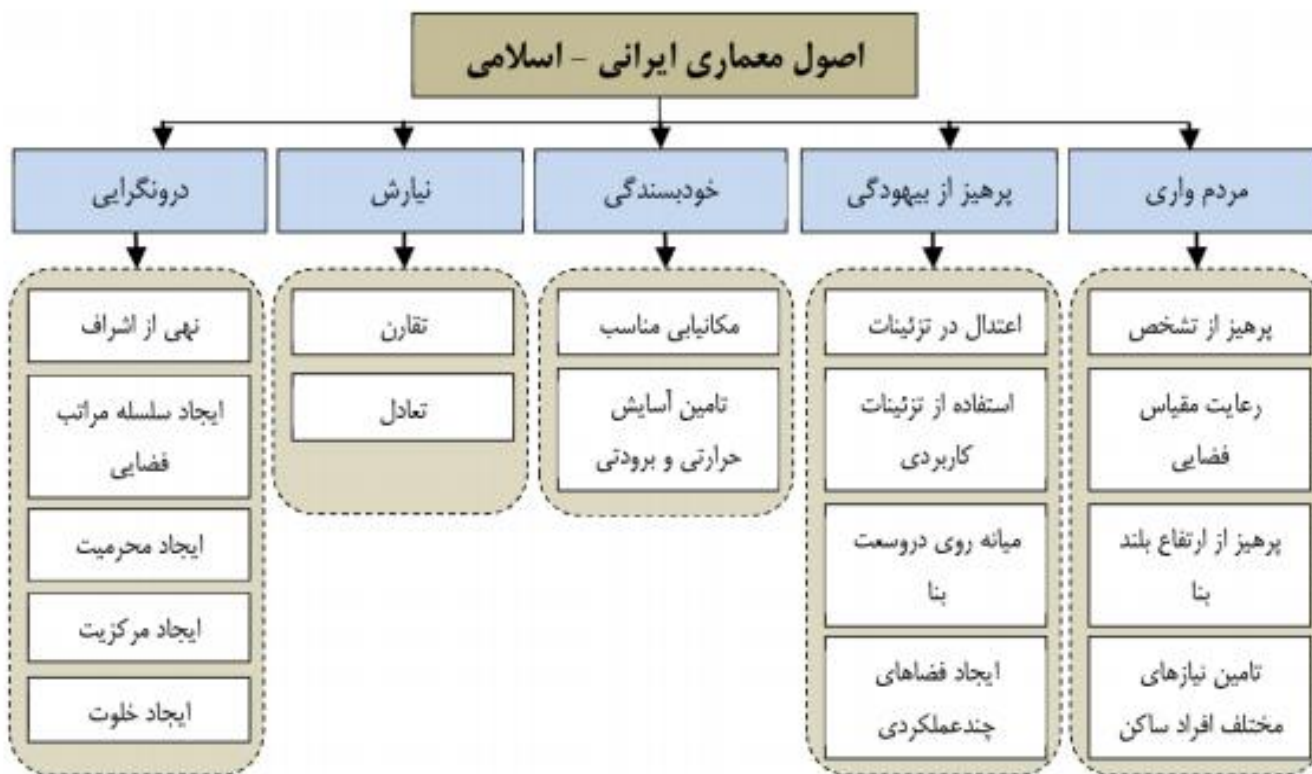
استاد : مهندس مهسا باقری

دانشگاه : بقیه اله الاعظم (عج)



اصول معماری ایرانی

هنر و معماری ایران از دیرباز دارای چند اصل بوده که به خوبی در نمونه های این هنر نمایان شده است . این اصول چنین هستند:



■ مردم واری

■ پرهیز از بیهودگی

■ نیارش

■ خودبسندگی

■ درون گرایی



مردم‌واری (محوری)

مردم محوری به معنای رعایت تناسب میان اندام‌های ساختمانی با اندام‌های انسان و توجه به نیازهای او در کار ساختمان سازی است. در ایران هم مثل مکان‌های دیگر، معماری هنری وابسته به زندگی است. پهنای اتاق خواب به اندازه یک بستر است و افزایش طاقچه به اندازه‌ای است که نشسته و ایستاده به آسانی در دسترس باشد و از طرفی تالار که مخصوص مهمان است به اندازه‌ای پهناور بوده که شایسته پذیرایی

باشد.



تصویر شماره ۱۳: پرهیز از ارتفاع بلند بنا (خانه مرتاض)؛



تصویر شماره ۱۴: پرهیز از تشخص با رعایت سادگی در نما



پرهیز از بیهودگی

در معماری ایران تلاش می‌شده کار بیهوده در ساختمان سازی نکنند و از اسراف پرهیز می‌کردند. این اصل هم پیش از اسلام و هم پس از آن مراعات می‌شده است. در زیگورات چغازنبیل از ۱۲۵۰ پیش از میلاد، می‌توان کاربرد کاشی را دید. در این ساختمان، هزاره دیوارها را با کاشی آبی آمود کرده‌اند. چون هنگام رفت و آمد مردم، برخورد به پای دیوار بیشتر بوده است، و چون خشت در برابر باران آسیب می‌دید، نمای ساختمان را با آجر پوشانده‌اند.



تصویر شماره ۳: استفاده از ایوان به عنوان فضایی با کاربری چندگانه در خانه (خانه مرتاض)



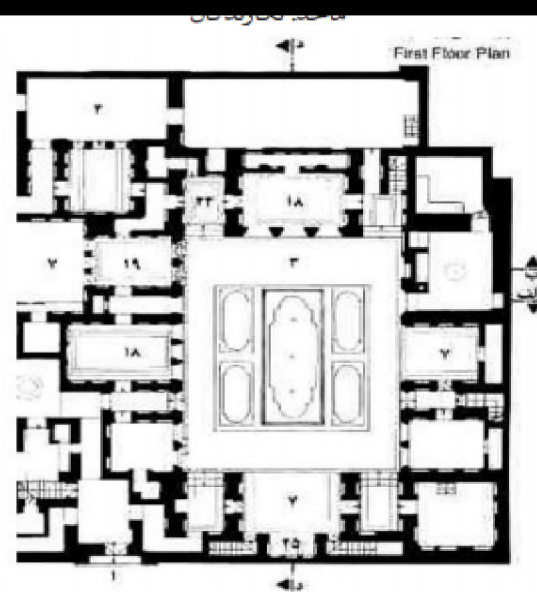
تصویر شماره ۴: استفاده از گره چینی در ساخت اوریسی به عنوان یک نمونه تزیینات کاربردی (خانه لاری‌ها)



همچنین از کاشی در آمود گنبدها بهره‌گیری می‌کردند و آنرا پر از نقش و نگار می‌کردند. این تکه‌های رنگی کاشی، آسانتر تعمیر و بازسازی می‌شدند. کاشی عمر زیادی ندارد و پس از زمانی از جا کنده شده و فرو می‌ریزد، به ویژه در جاهایی که برف و یخ هم باشد. اگر رویه‌ای یکرنگ باشد، بازسازی بخش کنده شده دشوار می‌شود و کار دو زنگ در می‌آید؛ ولی هنگامی که تکه‌تکه و چند رنگ باشد کار آسانتر است.



تصویر شماره ۵: اعتدال در تزیینات (خانه گلشن)



تصویر شماره ۶: ساخت اتاقها با ابعادی متناسب با کارکردشان (خانه گلشن)



نیارش

واژه «نیارش» در معماری گذشته ایران بسیار به کار می‌رفته است. نیارش به دانش ایستایی، فن ساختمان و ساختمایه (مصالح) شناسی گفته می‌شده است. معماران گذشته به نیارش ساختمان بسیار توجه می‌کردند و آنرا از زیبایی جدا نمی‌دانستند. «پیمون»، اندازه‌های خرد و یکسانی بود که در هر جا در خور نیازی که بدان بود به کار گرفته می‌شد. پیروی از پیمون هرگونه نگرانی معمار را درباره نا استواری یا نا زیبایی ساختمان از میان می‌برده، چنانکه یک گلکار نه چندان چیره‌دست در روستایی دور افتاده می‌توانست با به کار بردن آن، پوشش گنبدی را به همان گونه انجام دهد که معمار کار آزموده.



تصویر شماره ۱۲: ایجاد تقارن محوری در نما با استفاده از متقارنسازی بازشوها حول ایوان (خانه لاری‌ها)؛ مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳



خودبسندگی

معماران ایرانی تلاش می‌کردند ساخت مایهٔ مورد نیاز خود را از نزدیک ترین جاها به دست می‌آوردند و چنان ساختمان سازی می‌کردند که نیازمند به ساختمایه بجاهاى دیگر نباشد و «خودبسنده» باشند. بدین گونه کار ساخت با شتاب بیشتری انجام می‌شده و ساختمان با طبیعت پیرامون خود «سازوارتر» در می‌آمده است و هنگام نو سازی آن نیز همیشه ساختمایهٔ آن در دسترس بوده است.

معماران ایرانی بر این باور بودند که ساختمایه باید "بوم آورد" یا "ایدری" (اینجایی) باشد. به گفتهٔ دیگر فرآورده (محصول) همان جایی باشد که ساختمان ساخته می‌شود و تا آنجا که شدنی است از امکانات محلی بهره‌گیری شود.



خودبسندگی

برای نمونه در ساخت تخت جمشید بهترین را از یک کان (معمدن) در نزدیکی دشت مرغاب به دست می‌آوردند و با ارابه‌های چوبی به پارسه می‌رساندند. این سنگ را بیشتر برای روکش دیوارهای ستبرخشتی به کار می‌بردند. فرآوردن خشت نیز کاری بسیار ساده بوده است.

باز برای نمونه، در محله شارسدان یزد، زمین تا ژرفای دو متری از جنس خاک رُس و پایین‌تر از آن، جنسی به نام چلو یا کرشک است که لایه‌ای بسیار سخت است. معماران خاک رُس را برداشته و روی لایه سخت، با همان خاک ساختمان می‌ساختند. بدین گونه شاید بتوان انگیزه بنیادی بهره‌گیری از تاق و گنبد در معماری ایران را باور به «خودبسندگی» در ساختمان سازی دانست.



درونگرایی

یکی از باورهای مردم ایران زندگی شخصی و حرمت آن بوده که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درون‌گرا ساخته است. معماران ایرانی با سامان‌دهی اندام‌های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میان‌سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می‌کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می‌داد.

معماران ایرانی با سامان‌دهی اندام‌های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میان‌سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می‌کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می‌داد. خانه‌های درونگرا در اقلیم گرم و خشک، همچون بهشتی در دل کویر هستند، فضای درونگرا مانند آغوش گرم بسته است و از هر سو رو به درون دارد.



بخش بیرونی، آذین‌های بیشتری نسبت به اندرونی داشت. معماران حتی در ساختمان‌های برون‌گرا مانند کوشک میان باغ‌ها، نیز درون‌گرایی را پاس می‌داشتند. کوشک‌ها ساختمان‌هایی برون‌گرا بودند که گرداگرد آنها باز بود و از هر سو به بیرون باز می‌شدند. بیشتر خانه‌های غربی یا شرق آسیا چنین هستند..

ویژگی معماری غیرقابل انکار آثار و ابنیه‌ای مانند خانه، مسجد، مدرسه، کاروانسرا، حمام و غیره مربوط به خصوصیت درون‌گرایانه آن است که ریشه‌ای عمیق در مبانی و اصول اجتماعی-فلسفی این سرزمین دارد.



تصویر شماره ۱۰: وجود حیاط مرکزی و وجود عنصر آب و گیاه، عاملی برای ایجاد خلوت و تفکر (خانه مرتاضی)؛ مأخذ: نگارندگان



درون گرایی در جستجوی حفظ حریم محیطی است که در آن شرایط کالبدی با پشتوانه تفکر، تعمق و عبادت به منظور رسیدن به اصل خویش و یافتن طمانینه خاطر و آرامش اصیل در درون، به نظمی موزون و متعالی رسیده است. به طور اعم و بر اساس تفکر شرقی و در سرزمینهای اسلامی؛ جوهر فضا در باطن است و حیات درونی، به وجود آورنده اساس فضا است.



درونگرایی



تصویر شماره ۷: نهی اشرافیت با استفاده از مسدود کردن دید مستقیم از بیرون به داخل بنا (خانه مرتاض)؛



تصویر شماره ۹: ایجاد محرمیت فضایی از طریق ایجاد پیش ورودی قبل از ورود به فضای اصلی (خانه مرتاض)؛ مأخذ: نگارندگان



منابع:

۱- کتاب محمد کریم پیرنیا

۲- مقاله بازشناسی اصول پنج گانه استاد پیرنیا در معماری سنتی ایران و تحلیل آن
بااستناد به منابع اعتقادی اسلامی

نویسندگان: یعقوب پیوسته گر، علی اکبر حیدری، مطهره اسلامی